

شرلی

شارلوت برونته

ترجمه ا. ب. فریده تیموری

www.ketab.ir

سمیر - ۱۴۰۳

سرشناسه

: برونه، شارلوت، ۱۸۱۶ - ۱۸۵۵ م

Bronte, Charlotte

عنوان و نام پدیدآور

: شرلی / شارلوت برونه؛ ترجمه فریده تیموری.

مشخصات نشر

: تهران: سمیر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری

: ۶۳۲ ص.

شابک

: ۹-۰۷۱-۲۲۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیبا

یادداشت

: عنوان اصلی: Shirley, 2007.

موضوع

: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۱۹ م.

شناسه افزوده

: تیموری، فریده، ۱۳۲۴ -، مترجم

رده‌بندی کنگره

: ۱۳۸۹ ش ۴ ب ۲۳/PZ۳

رده‌بندی دیویی

: ۸۲۳/۸

شماره کتابشناسی ملی

: ۶۳-۲۸۶۷ م

www.ketab.ir



ناشر	:	سمیر
عنوان	:	شرلی
نویسنده	:	شارلوت برونه
مترجم	:	ا.ب. فریده تیموری
چاپ سوم	:	۱۴۰۳
تعداد	:	۱۰۰
چاپ	:	هنگام
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۰۷۱-۹

تهران، خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۳، واحد ۴، تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶-۶۶۹۶۰۶۰۳

www.samirpublication.com

قیمت: ۵۵۰,۰۰۰ تومان

مقدمه

خلق اثر شرلی مربوط به سال‌های ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ قرن نوزدهم است. داستان منطبق بر وقایع تاریخی وقت انگلیس است، و به این جهت به شدت مورد پسند و اقبال منتقدین و خوانندگان قرار گرفت. مسئله مهم تاریخی این زمان نبرد ناپلئون و محاصره همه جانبه او برای شکست انگلیس در سراسر اروپا بود و پایداری انگلیسی به وسیله وضع قوانین جدید برای تنظیم اقتصاد داخلی و مبارزه مردم و کلیسا موجب اهمیت بیشتر داستان شرلی شد.

شارلوت برونته عالیه ترین نویسنده زنی است که تمامی تجارب فردی زندگی اش و همه بینش اجتماعی و نمود در زندگی دیگران را برای خلق آثارش به کار گرفته است و داستان‌هایش چنان متعالی و بزرگی‌های روحی خود اوست که گویا این اوست که بر کلمات جاری است. زندگی شرلی بر وخته بر خوانندگان آشنای او روشن است. او فرزند پدری مذهبی و روحانی بود که با خانواده محیط کلیسا زندگی می‌کردند. در نخستین سال‌های کودکی طعم تلخ بی‌مادری را چشید، یک خواهر و برادرش در زمان طفولیت از جهان رفتند، او و سه خواهر دیگرش در پشت دیوارهای سخت و سنگین کلیسا و فضای غم‌انگیز و تلخ آن سال‌های رشد و باروری را طی کردند. دخترانی از طبقه خیلی متوسط بدون هیچ‌گونه امنیت مالی و پشتوانه روحی، که شرایط غالب بر زندگیشان نیز امکان ازدواجی رهایی‌بخش را به آنان نمی‌داد و تنها شانسی که اجتماع زمان ویکتوریا در وراء همه آرزوهایشان به آنها می‌داد این که معلم سرخانه بشوند، و این با آرزوها و امیالشان خیلی فاصله داشت، و چنین شرایطی بی‌شک چندان لطف و جاذبه‌ای نداشت و آنها ناگزیر به دنیای رویاهای آرام‌بخش جذب شدند.

«شرلی» از طرفی تکیه بر حقایق تاریخی دارد و از طرف دیگر متأثر از مسائل رمانتیک و تجارب شخصی نویسنده است، ولی در مقایسه با آثار دیگرش، در این اثر نهادهای دیگری است که چندان تطابقی با روحيات فردی او ندارد، و این برای

منتقدین با مقایسه نوشته‌های دیگرش سبب گردید که این داستان را عاری از نیروی الهام و اندیشه‌های پرورش یافته خاص او بدانند.

از ویژگی‌های شرلی این که هیچ فرد واحدی قویاً محور ماجراها نیست. و به اصطلاح قهرمان اصلی در آن به چشم نمی‌خورد و همه شخصیت‌ها نقش‌های به هم آمیخته دارند و این نکته خود موجب شده است که خواننده به عمق داستان شرلی نزدیک شود و نویسنده را بر آن داشته که جزء جزء حوادث را توضیح دهد و وقایع را به هم بدوزد تا خواننده را از گیجی و سردرگمی نجات دهد. آن قسمت از داستان که به شرایط اجتماعی خاص وقت انگلیس مربوط می‌شود، روشن و راضی‌کننده است و قدرت ترسیمی ماهرانه‌ای در آن مشهود است. انتقاد منتقدین فقط در عدم یکپارچگی و اتحاد سایر طرح‌های داستان است که پیوند معنوی گسیخته نویسنده سعی در وصل آنها دارد، ولی پاسخ به این انتقاد چندان مشکل نیست. زمانی که مسائل واقعی تاریخی و اجتماعی زمان و تفکرات شخصی و تأثرات از زندگی فردی نویسنده که خارج از این زمان است به هم می‌آمیزد چنین اشکالی را به وجود می‌آورد. این جاست که نویسنده برای پیوند جنبه‌های مختلف، شخصیت‌هایی می‌آفریند که یکی آزاد و آزاده با دنیایی سرشار از هیجان، بند گسیخته و دیگری درون‌گرای خودخواهی بند بندهای روحی و اجتماعی، اسیر قفس رنج‌های درونی و بیرونی، اینها در کنار هم سهمی از داستان را به خود اختصاص می‌دهند. با این که هیچ یک محور داستان نیستند و با هم بسیار متفاوتند. به عبارتی دیگر داستان شرلی همچون داستان زندگی است که همه چیز و همه نوع وقایع و اتفاق در آن هست که در عین بی‌ارتباطی به یکدیگر، علت و معلول یکدیگرند.

علی‌رغم تعهد شرلی به تاریخ، به اجتماع، به تجزیه تحلیل‌های اجتماعی زمان، به سیاست، اقتصاد، مذهب و علی‌رغم تعهدش به طبقات اجتماعی که سازنده فرم و شکل جامعه بودند، شارلوت برونته به جدال بین احساسات پرورش یافته خیال و واقعیت پرشرنگ زندگی پشت نکرد. عقیده داشت نوشتن شرلی که قسمت‌هایی از آن پرورده تخیلات پردامنه‌اوست، او را از دنیای تاریک و دل‌تنگ واقعیت به سرزمین غیرواقعی ولی پر نور و شاد می‌برد. او می‌گوید: «همه سپاسم را به درگاه خداوند پیش کش می‌کنم که این توان را به من داد که برای جلوگیری از فرو ریختن و خرد شدن در زیر پتک گران واقعیت‌های تلخ به دنیای شاد و پر نور تخیلات پناه گیرم تا نابودی‌ام را به چشم نبینم» او از تخیلات و تجسمات ذهنی این‌طور دفاع می‌کند.

«چه کسی به تخیلات اهمیت می‌دهد؟ چه کسی آن را پوچ نمی‌داند و ثمرهٔ ضعف نمی‌خواند؟ آیا بیش از این که موهبت الهی باشد، یک بیماری و پریشانی روانی نیست؟»

این‌ها سوالاتی است که شاید در همه اذهان مطرح باشد و شاید واقعاً این‌طور هم باشد، ولی بهتر است به کسانی گوش فرا دهیم که ساکن دنیای پُررنگ و زیبا و بی‌انتهای ذهنی هستند. قلب من سرد خواهد بود اگر از چشمهٔ این آب حیات سیراب نگردد. چشمانم تاریک است اگر مشعل آن نگاه مرا نور نبخشد، خیلی تنها خواهم شد. اگر این همسفر بیگانه مرا ترک کند آن به تمامی شادی‌های بهار است و افسون تابستان، همه آرامش خزان را دارد و لحظات تسلی‌بخش زمستان، و اینها تمامی زندگی است. این همه آن چیزی است که در خارج از خود همه می‌جویند و نمی‌یابند، اوهام است، آری، ولی من آن را به ارز هم عوض نخواهم کرد.

نکات مهم دیگری که شرلی به آن تکیه دارد، نکته‌هاییست نه چندان بیگانه و نه چندان دور افتاده. عدم تساوی‌های حقوقی و اجتماعی و بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعهٔ وقت انگلیس است. اولین گروهی که آماج قرار گرفته است زنان و به خصوص زنان مجرد و ازدواج نکرده بودند، و در سطوح دیگر معلمان و معلمان خصوصی که فاقد هر نوع پشتوانه‌ای بودند. کارگران بودند که باز شکل دیگری از این نابسامانی زندگی مادی و روحی را بر خورد حمل می‌کنند. دنیای همیشگی و جاری در متن تاریخ و اجتماع بشری.
